

لرزم بازنگری در کیفیت آموزش در همه سطوح در گفت‌وگو با دکتر «محمد مهدی شیخ‌جباری»

جایگاه واقعی دانشگاه و پژوهشگاه باید در جامعه تثبیت شود

گروه علم: به‌تازگی انتخابات ریاست جمهوری در ایران برگزار شد و رئیس‌جمهور منتخب، دوره دوم کارش را به‌زودی آغاز می‌کند. پس از هـر انتخاباتی، اصناف مختلف انتظارات و خواسته‌های خود از رئیس دولت را بیان می‌کنند. برای آگاهی از انتظارات دانشمندان و دانشگاهیان، با دکتر «محمدمهدی شیخ‌جباری» استاد فیزیک در مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات و رئیس شاخه فیزیک فرهنگستان علوم هم‌کلام شدیم و درباره موضوعات مختلف جامعه علمی کشور گفت‌وگو کردیم که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم.

❧ وضعیت کنونی علمی و پژوهشی دانشگاه را به لحاظ کیفی و کمی، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در پاسخ به این پرسش، وضعیت موجود را می‌توان هم فارغ از بستر تاریخی آن بررسی کرد و هم با توجه به بستر تاریخی ارزیابی کرد تا به تصویر بهتر و منصفانه‌تری دست یافت. در مجموع من بر این باورم که دانشگاه‌های ما به‌رغم همه کاستی‌ها و انتقاداتی که به آن وارد است، سهم قابل ملاحظه‌ای در اداره کشور داشتند و دارند. البته شاید بسیاری از متخصصان ما (از جمله مهندسان و پزشکان و...) کیفیت آن چنان برجسته و ممتازی در مقیاس جهانی نداشته باشند، ولی به هر صورت باید پذیرفت که کشور را همین افراد اداره می‌کنند؛ یعنی همان کسانی که در این دانشگاه‌ها درس خواندند، در مناصب مختلف اجرایی و مدیریتی کشور حضور دارند. پس در مجموع و در یک کلمه می‌توان گفت که نقش و کارایی دانشگاه‌ها باوجود کاستی‌ها و انتقاداتی که وارد است، قابل قبول است.

❧ در سال‌های اخیر تعداد زیادی دانشگاه غیردولتی با سطح علمی و آموزشی نه‌چندان مطلوب، در کشور ما پا گرفت. سربز آوردن این دانشگاه‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به دلایل بسیار مختلف و متنوع (از جمله سابقه تاریخی و فرهنگی و از طرف دیگر سیاست‌گذاری در سطح کشور، از جمله اعتباربخشیدن به مدرک دانشگاهی)، اقبال عمومی زیادی برای رفتن به دانشگاه وجود داشته و دارد و به‌همین دلیل هم تعداد زیادی دانشگاه غیردولتی پا گرفت. مردم پذیرفته‌اند در ازای مدرکی که این دانشگاه‌ها می‌دهند، مردم هم به آن‌اں پول پرداخت کنند. این موضوع بیانگر آن است که یک مطالبه عمومی وجود داشته است. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که این مطالبه را چگونه باید پاسخ داد. به نظر من، بضاعت ما در کشور از لحاظ علمی و امکانات آن‌قدر نبود که بتوانیم بیشتر و بهتر از این به تقاضاها در زمینه تحصیلات دانشگاهی پاسخ دهیم. پس دولت در مقابل این مطالبات، با باید شانه خالی می‌کرد یا باید به مطالبه انبوه جوانان مشتاق تحصیل در دانشگاه پاسخ مناسب می‌داد که در این صورت بدیهی است زمانی که دانشگاه‌ها را این قدر گسترش می‌دهیم، کیفیت فدا می‌شود، یعنی با باید نیاز به تحصیلات دانشگاهی را پاسخ دهیم که در این صورت کیفیت فدا می‌شود یا باید به کیفیت وفادارمانیسم که در این صورت تعداد زیادی پشت در دانشگاه می‌ماند و از بین این افراد، آنهایی که توانایی دارند، برای ادامه تحصیل به دانشگاه‌های خارج از کشور می‌روند. نتایج تحصیل در خارج از کشور را نیز همه ما دیدیم. آنهایی که به خارج می‌روند، لزوماً به هاروارد و آکسفورد نمی‌روند، بلکه به دانشگاه‌های سطح پایینی در کشورهایی با فرهنگ آکادمیک ضعیف می‌روند که کیفیت چندان مطلوبی ندارند و دانشگاه‌های متوسط ما هم از آنها بهتر است. پس ممکن است ایده‌آل‌های ما با شرایط واقعی جامعه همخوانی نداشته باشد. به‌همین‌دلیل در دوره‌ای تصمیم گرفتند به‌رغم آنکه ممکن است کیفیت حفظ نشود، دانشگاه‌ها را توسعه دهند تا از مهاجران در تحصیل و دانشگاه‌های بی‌کیفیت‌تر خارجی پیشگیری شود. اکنون با تغییر وضعیت هرم جمعیتی کشور و کاهش تقاضا برای ورود به دانشگاه (که این مورد را می‌توان با بررسی آمار شرکت‌کنندگان در کنکور به خوبی دریافت)، باید راهکار تازه‌ای برای پاسخ‌گویی به این‌گونه مطالبات اندیشید، به‌گونه‌ای که هم علاقه‌مندان به تحصیل به آرزویشان برسند ❧ پیشنهاد شخص شما برای دستیابی به راه‌حلی که دربرگیرنده هم کیفیت و هم کمیت باشد، چیست؟

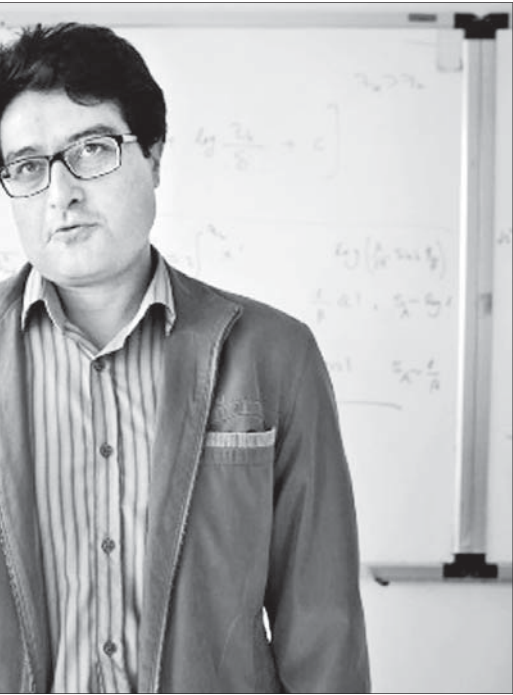
به مطالبات این‌گونه، هم می‌توان در فضای ایده‌آل پاسخ داد و هم با درنظرگرفتن واقعیت‌های موجود، دست کم من به‌عنوان یک فرد دانشگاهی

با یک عضو فرهنگستان که عهده‌دار سمت اجرایی نیستم، باید ایده‌آل‌ها را بیان کنم، در غیر این صورت پیشنهاد یا راهکار من هم مانند کسی است که مسئولیت اجرایی برعهده دارد. البته من به واقعیت‌های جامعه اشاره کردم و در ادامه هم قصد ندارم که مسئولان اجرایی را تخطئه کنم. من به این نکته توجه دارم که مسئله آنان با ما فرق دارد و در نتیجه راه‌حل ما لزوماً منطبق بر راه‌حل مسئولان اجرایی نیست. من اکنون روی آنچه که باید باشد، تأکید می‌کنم. در بعد آموزشی فکر می‌کنم کیفیت فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های ما در قیاس با ۱۵ یا ۲۰ سال پیش افت کرده است که از این جهت جای نگرانی دارد. با توجه به اینکه امروزه دانشگاه‌ها داوطلبان ورود به دانشگاه به‌شدت کم شده است، لزوم توجه به کمیت از بین رفت و شایسته است که یک‌بار دیگر به موضوع بسیار مهم افزایش کیفیت توجه کنیم.

❧ به نظر شما چرا کیفیت آموزش در سال‌های اخیر در دانشگاه‌های ما کاهش یافته است؟ این موضوع چندین دلیل دارد، از جمله اینکه دانشگاه یک ورودی دارد که در سال‌های اخیر، ورودی‌های دانشگاه نیز ضعیف شده است. سازمان سنجش آزمون‌های نسبتاً استانداردِی دارد که با توجه به نتایج آنها می‌توان دریافت اطلاعات دانشجویان جدیدالورود دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر پایین آمده است. پس باید به موضوع سواد علمی ورودی‌های دانشگاه و تأثیر آن در کیفیت آموزشی در دانشگاه هم فکر کرد. علاوه بر این، تا زمانی که صرفاً به آموزش در دانشگاه فکر کنیم، کیفیت در دانشگاه بالا نمی‌رود. در نظر داشته باشید که خروجی‌های دانشگاه‌ها چه چیز است، فارغ‌التحصیلان دانشگاه و دستاوردهای پژوهشی، پس نباید صرفاً به آموزش دانشجویان بسنده کرد، بلکه باید در زمینه تحقیق و پژوهش نیز فعال بود. نکته دیگر این است که تدریس تا دوره کارشناسی در دانشگاه باید به‌گونه‌ای باشد که افراد بتوانند بعد از فارغ‌التحصیلی بهتر و راحت‌تر در جامعه زندگی کنند. راهدانازی مجدد دوره‌های کارورزی برای دانشجویان کارشناسی، یکی از حرکت‌های خوب در این زمینه است و توصیه می‌شود دانشجویان این است که این دوره‌ها را جدی بگیرند و از آن استفاده کنند.

❧ به اهمیت موضوع تحقیق و پژوهش اشاره کردید. دانشگاه‌های ما در حوزه پژوهش، چه دستاوردهایی داشتند؟

فرهنگستان علوم هر ساله بیانیه‌ای صادر می‌کند و در آن، نظشر را درباره وضعیت جاری کشور از لحاظ علم و پژوهش و مدیریت علمی بیان می‌کند. عنوان بیانیه سال ۹۴ این بود: «جامعه دانشگاهی در جایگاه مرجعیت علمی در کشور» که بعد از این مرجعیت علمی، دستاوردهای پژوهشی است. نتیجه پژوهش دانشگاهی معمولاً به انتشار مقاله علمی، ارائه دستاوردهای علمی و پژوهشی در سمینارهای علمی یا عرضه کالا و خدمات علمی و فناوری منجر می‌شود. ما هم‌اکنون در حوزه عرضه کالا و خدمات فناوریانه چند اشکال اساسی داریم که شاید دلیلش دانشگاه‌ها ما هم نباشد. در نظر داشته باشید که کالا و خدمات، بخشی از یک زنجیره اقتصادی است که تولیدکننده این کالای فناوریانه، در ابتدای این زنجیره و مصرف‌کننده نهایی هم در انتهای زنجیره



عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد نخبگان

❧ رئیس‌جمهور انتخاب شده است و مدتی دیگر هم دوره جدید فعالیت‌های خود را آغاز می‌کند. انتظار شما به‌عنوان یک فرد دانشگاهی، از رئیس‌جمهور چیست؟

من می‌خواهم دو نکته را از هم تفکیک کنم؛ یک موقعی می‌پرسند که از رئیس‌جمهور چه می‌خواهید؟ زمانی هم می‌پرسند که از وزیر علوم یا معاون وزیر چه می‌خواهید؟ به باور من، رئیس‌جمهور شأنی دارد که ما باید در مطالبات خود هم، این شان را رعایت کنیم، اگر از من پرسند از رئیس‌جمهور چه می‌خواهید، من می‌گویم به چند موضوع مهم توجه کند: اول اینکه به آموزش رسمی قبل از دانشگاه توجه کند چراکه اثرش نه‌فقط در دانشگاه بلکه در تمام جامعه مشاهده می‌شود. دوم اینکه دانشگاه را به‌عنوان مرجع علمی بپذیرد. این پذیرفتن از جانب رئیس‌جمهور به این معناست که در عمل زمانی که مشکلی پیش می‌آید که از مشاوران علمی دانشگاهی یا فرهنگستان علوم نظرخواهی کند ولی در عمل دیدیم که در این چند دوره، جز در یکی، دو مورد نادر به دانشگاهیان مراجعه نکردند و نظر آنها را جویا شدند که یک نمونه آن مجرای دریاچه ارومیه بود که البته این موضوع کمتر تکرار شد.

❧ به نظر شما، بهتر است دانشمندان به چه شکل و شیوه‌ای نظرات و خواسته‌های خود را با سیاست‌مداران در میان بگذارند؟

من به‌عنوان عضوی از جامعه علمی، فکر می‌کنم با وجود اینکه می‌توانم نظرات سیاسی خاص خودم را داشته باشم، ولی زمانی که به‌عنوان یک دانشمند درباره دولت یا مسئولی صحبت می‌کنم، به شخص و فرد خاصی که عهده‌دار ستمتی است، کاری ندارم، بلکه فقط به آن منصب توجه می‌کنم و مطالبات خودم را به‌عنوان یک دانشمند با آنها مطرح می‌کنم. باز هم تأکید می‌کنم این گفته به این معنی نیست که من نظر سیاسی دارم یا ندارم، بلکه به این معنی است که من دیدگاه‌های سیاسی را در کار حرفه‌ای‌ام دخالت نمی‌دهم، به نظر نمود پررنگ دیدگاه‌های سیاسی در مطالبات کاملاً مشخص علمی، کارشناسی و صنفی، ایرادی است که در سطوح مختلف می‌بینیم. به بیان دیگر همه‌چیز خیلی زود سیاسی می‌شود.

❧ به کار برخی از روزنامه‌نگاران علم هم انتقادهایی وارد می‌شود از جمله اینکه برخی از پژوهشگران می‌گویند دیدگاه‌های سیاسی در فعالیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران علم تأثیر داشته است، پیشنهاد شما برای بهبود این وضعیت چیست؟

پیشنهادم برای روزنامه‌نگاران و به‌ویژه کسانی که در بخش علم رسانه‌ها فعال هستند، این است که در نظر داشته باشند خطوطی سیاسی، مربوط به صفحه سیاسی روزنامه است. خبرنگار علم در بخش علمی رسانه یا باید اخبار علمی را منتشر کند یا مطالبات علمی جامعه دانشمندان را بیان کند، بدون اینکه این مطالبات یا دیدگاه‌ها، رنگ‌بوی سیاسی داشته باشند. جلش هم این است که همیشه سیاست، بازی قدرت است، ولی مطالبات ما ربطی به آن بازی ندارد. اگر مطالبات‌مان رنگ‌بوی سیاسی گرفت، باعث می‌شود مطالبات‌مان زمین بماند یا نادیده گرفته شود. از آن طرف ممکن است به آن پروژه‌ای که ممکن است افراد داشته باشند، لطمه بزند. بار دیگر تأکید می‌کنم این خطوط سیاسی بهتر است منفک از مطالبات جامعه علمی باشد. البته این گفته به این معنا نیست که یک روزنامه‌نگار دیدگاه سیاسی نداشته باشد یا این دیدگاه را بیان نکند، بلکه نباید این دیدگاه سیاسی، در همه صفحات مطرح شود.

❧ نکته درخور توجه این است که اصناف مختلف (مانند ورزشکاران، هنرمندان و...) تشکیل‌هایی دارند که مطالبات خود از دولت را مطرح می‌کنند و در بسیاری از موارد هم به خواسته خود می‌رسند. اما دانشمندان با وجود خدمات بسیار ارزنده‌ای که به جامعه ارائه می‌دهند، بنا به ملاحظات بسیار، مطالبات خود را با مدیران جامعه مطرح نمی‌کنند و در نتیجه بسیاری از مطالبات آنان برآورده نمی‌شود. چرا دانشمندان و پژوهشگران ما ارتباط خوبی با مدیران ندارند؟

پرسش خوبی است و من برداشت شخصی خودم را بیان می‌کنم؛ این موضوع چندین دلیل دارد از جمله دلایل تاریخی. ما در مجموع در کارهای صنفی، مدیریت هستیم، در مواردی که صرف خاصی تأثیرگذار است، یا خود آن صرف یا افراد خاصی که در آن صنف حضور دارند، جایگاه مشخص و تعریف‌شده‌ای نزد مناصب قدرت دارند. فکر می‌کنم جایگاه کل مجموعه دانشگاه و پژوهشگاه‌ها ما خیلی خوش‌تعریف و روشن نیست، در نتیجه وزن و تأثیرگذاری آن هم چندان زیاد نیست. من از ۳۰ سال پیش که داششجو بودم، این سؤال را می‌پرسیدم که اگر ما دانشگاه را تعطیل کنیم، چه اتفاقی روی می‌دهد، کدام بخش کشور از کار می‌افتد یا چه کسای اعتراض می‌کنند؟ جواب این پرسش، وزن آن مجموعه (در این مورد دانشگاه) را می‌سازد. در عوض اگر یک باشگاه ورزشی تعطیل شود، بسیاری از توده‌های مردم هم به آن واکنش نشان می‌دهند و معترض می‌شوند. من فکر می‌کنم دانشگاه‌ها ما تا حدود زیادی و به دلایل مشخص، به سکوی پرش سیاسی افراد تبدیل شده است. البته این اتفاق در جمع ورزشکاران هم افتاد و جریانِی شکل گرفت؛ اما از سطح شورای شهر بالاتر نرفت. در مجلس هم قانونی تصویب شد که افراد با مدرک کمتر از فوق لیسانس وارد مجلس نشوند. امروزه هرکسی که می‌خواهد سمت رده‌بالایی مانند مدیر کلی داشته باشد، باید عنوان دکتر را داشته باشد؛ یعنی دانشگاه شده است سکوی پرش مناصب سیاسی و در نتیجه وزن صنفی خود را از دست داده است. نظر من این است که با توجه به اینکه امروزه بسیاری از افراد دکتر شده‌اند، عنوان یا مدرک دکتر جایگاه و اعتبار خود را از دست می‌دهد. اختلال این دلایل باعث می‌شود مجموعه دانشگاه از سیاست بیشتر فاصله بگیرد.

علم

نگاه نو

توسعه بیوتکنولوژی گیاهی بایسته‌های دولت جدید

عبدالحسین طوطیابی*



ارقام گیاهی‌ی تراریخته که به آنها «اصلاح‌شده ژنتیکی» هم اطلاق می‌شود، محصولاتی هستند که معایب آنها در فرایند تولید یا بهره‌گیری از بیش‌ترترین روش‌ها برطرف و دارای صفات تغذیه‌ای بهبودیافته‌ای شده‌اند. امروزه بیش از ۱۸۵ میلیون هکتار از اراضی جهان زیر کشت محصولات تراریخته در اروپا، آمریکا، آسیا و اقیانوسیه است و بیش از ۲۰۰ کشور از این نوع محصولات استفاده می‌کنند. به خاطر داریم آغاز به کار دولت نهم در مدیریت اجرایی بخش کشاورزی با جابه‌جایی و حذف بی‌توجهی بسیاری از مدیران تأثیرگذار همراه شد. در این رابطه بسیاری از برنامه‌های درحال‌توسعه از جمله «خودکفایی گندم و شکر» و... متوقف شدند و از آن‌سو به انبوه شگفت‌انگیز واردات انجامیدند. از دیگر پیامدهای این جابه‌جایی‌های جناحی، موضع‌گیری تخریبی مدیریت این وزارت با توسعه فناوری مهندسی ژنتیک گیاهی و تولید ارقام تراریخته متناسب با نیازهای کشور بود. مخالفت‌های شگفت‌انگیز وزرای جهاد کشاورزی دولت‌های نهم و دهم با تولید جایگزین داخلی، هیچ‌گاه موجب نشد که آنها از واردات انبوه محصولات تراریخته‌ن روی بگردانند. سرانجام دولت دهم با نزدیک به هفت‌میلیون تن واردات سالانه گندم، ورشکستگی کشت و صنعت قند و شکر و... عرصه را به دولت یازدهم واگذاشت تا تنها در خلال سه سال دولت جدید، به رکورد تاریخی تولید ۱۴ میلیون تن گندم و ۱/۵ میلیون تن شکر و ... نائل شود. پس‌لرزه‌های آن مدیریت‌ها در فضایی کاملاً جناحی، عزم در حذف بذره‌ای تراریخته و پیش‌تازان مهندسی ژنتیک کشاورزی بود. اعتراضات، طومار، استیضاح، تحقیق و تفحص در مجالس هفتم و هشتم هم افاقه‌ای در کاهش این محدودیت‌ها نکرد. درحقیقت عملاً شعار «تولید ملی نل» نه، واردات محصولات تراریخته آری! حکم‌فرما شد. در این فضای غارآلود هیچ‌یک از دلواپسان و رسانه‌های زنجیره‌ای وابسته هم جز سیاست سکوت و سازش از خود بروز ندادند. دلواپسان یا ادعاهای بی‌پشتوانه علمی و پزشکی، تا ناستندت وازه تراریخته را با بروز ترحین‌ترین بیماری‌ها درهم آمیختند. یقیناً برای دانشمندان و متخصصانی که جز منافع ملی دغدغه‌ای ندارند، چه‌بسا این موج یازدارندگی بتواند موجب شکوفایی و توسعه روزافزون بیوتکنولوژی گیاهی در آینده نزدیک شود. پیام دکتر «روحانی» در دولت یازدهم که استفاده از محصولات تراریخته را نه‌تنها یک الزام، بلکه انتخابی دلی‌پذیر نامیده بود، آغازی پررئق و امید را در عرصه توسعه همه‌جانبه بیوتکنولوژی گیاهی نوید داد. در چهار سال گذشته اما در حوزه کشت محصولات تراریخته حلقه‌هایی از «دلواپس» و «واردات» همچنان ایستادگی کرده و مانع تولید ملی آن شدند. شاهد آن بودیم که رسانه‌های آنان، پژوهشگران و پیش‌گسوتان پژوهشی و علمی و نیز تولید داخلی را آماج تهاجم خود قرار دادند. شگفتی آگاه به اوج می‌رسید که بعضی دستگاه‌های اجرایی، به بهانه حفاظت از محیط‌زیست، چشم بر بحران‌های اقلیمی فروبسته و تا توانستند به حوزه نوای مهندسی ژنتیک کم‌مهری کردند. آیا چنین سیاستی با دولت یازدهم همسویی داشت؟ در پایان کلام بر مطالباتی از قبیل مقابله با عوام‌فریبی در حوزه زیستی و حل مشکلات و اختلاف‌نظر دستگاه‌ها در ساختاری که به همین منظور ایجاد شده است، اجرای قانون ملی ایمنی زیستی و درنهایت تسریع در صدور مجوز تولید ملی محصولات تراریخته به‌جای واردات انبوه این نوع محصولات تأکید می‌کنم.

پژوهشگر کشاورزی

نگاه از درون

چالش‌های وزارت علوم و راهکارهای حل آن در جست‌وجوی استقلال از دست‌رفته



کامبیز مینایی* استاد دانشگاه شیراز

برخلاف بسیاری از وزارتخانه‌های دولت یازدهم، روند انتخاب وزیر علوم، تحقیقات و فناوری با چالش‌های جدی روبه‌رو شد. این چالش با استیضاح و عدم رأی اعتماد به دکتر «رضا فرجی‌دانا» (که مورد وثوق بخش زیادی از دانشگاهیان بوده و هست)، نمود آشکارتری یافت. باوجود برخی کاستی‌ها در حوزه این وزارتخانه در چهار سال گذشته، دانشگاهیان نقش مهمی در پیروزی آقای دکتر «روحانی» در انتخابات دوره دوازدهم ریاست‌جمهوری داشتند. قدم‌های مهمی در این چهار سال در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برداشته شده که لازم است در دولت جدید ادامه یابد و البته برداشتن قدم‌های جدیدتر نیز ضروری خواهد بود. در این نوشتار خلاصه‌ای از مهم‌ترین دغدغه‌های دانشگاهیان برای چهار سال پیش‌رو در پی می‌آید. بدیهی است با وجود سلاقی گوناگون در بین نخبگان دانشگاهی، ممکن است موارد دیگری که در اینجا به آنها اشاره نشده است، مورد مطالبه گروه یا گروه‌هایی در این وزارتخانه باشد.

۱- افزایش چشمگیر رشد علمی کشور که از بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی آغاز شده بود، از دستاوردهای انکارناپذیر دولت یازدهم و البته دولت‌های پیشین به‌شمار می‌آید، اما استقلال دانشگاه‌ها که در دوران هشت‌ساله اصلاحات به یک اصل تبدیل شده بود، نشانی در دو دولت بعدی نداشت. در دولت‌های نهم و دهم، تمرکزگرایی در تمام زمینه‌ها در دستور وزارتخانه‌ای قرار داشت که اغلب افسرد موثر آن یا نخبه بودند یا قرار بود در آینده نخبه شوند! جذب متمرکز اعضای هیئت علمی، غیرانتخابی‌کردن (انتصابی‌کردن) تمام مسئولیت‌ها در دانشگاه و حتی متمرکزکردن آژمونی مانند آزمون دوره دکترا از کارهای غیرقابل‌دفاع دولت نهم و دهم بوده است. استدلال کسانی که به گسترش این «تمرکز» باور داشتند، آن بود که دادن اختیار به دانشگاه‌ها موجب رفتار سلیقه‌ای می‌شود. وجود رفتارهای بعضاً سلیقه‌ای قابل انکار نیست، اما وزارتخانه‌ای که نتواند به اعضای هیئت علمی خود (که سرمایه‌های بزرگ علمی کشور هستند)، اعتماد کند؛ در پیشر د اهداف عالی نظام در زمینه‌های علمی چندان موفق نخواهد بود. در دولت یازدهم بخشی از اختیارات به دانشگاه‌ها بازگشت، اما همچنان ضروری است، با اعتماد به بدنه دانشگاه‌ها، استقلال آنان بیش از پیش فراهم آید. توجه داشته باشیم تنها با دادن اختیار لازم به دانشگاه‌ها، امکان پاسخ‌گویی آنان در زمینه‌های مختلف فراهم می‌شود.

۲- ضروری است دولت دوازدهم با ادامه سیاست عدم گسترش کمی کارآموز آموزش عالی (که از دولت یازدهم شروع شده است)، شرایطی را فراهم آورد تا کیفیت آموزش عالی به‌طور محسوسی از کمیت آن فاصله بگیرد. گسترش بی‌رویه آموزش عالی به بهانه‌های مختلف در گذشته، ضربات جبران‌ناپذیری به مجموعه آموزش عالی کشور وارد کرده است. رعایت این اصل، به‌ویژه در حوزه تحصیلات تکمیلی آشکارتر است. افزایش شمار دانشجویان تحصیلات تکمیلی، افزایش دانشگاه‌های پذیرنده این دوره‌ها و انجام آزمون نیمه‌متمرکز برای انتخاب دانشجویان دوره دکترا، کاهش کیفیت دوره‌های تحصیلات تکمیلی را در پی داشته است. راه‌اندازی دوره‌های تحصیلات تکمیلی مستلزم شرایط بسیاری از جمله وجود استادان باتجربه و داشتن امکانات پژوهشی مناسب است. به نظر می‌رسد تعدد مراکز آموزش عالی در کشور و رآوآوردن بسیاری از آنان به راه‌اندازی دوره‌های کارشناسی‌ارشد و دکترا، ضربه مهلکی به مجموعه علمی کشور وارد کرده است. نبود دانشجوی کافی برای ادامه فعالیت‌های برخی از مراکز آموزش عالی، چالش جدی فراروی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال‌های آینده خواهد بود. شایسته است با درنظرگرفتن همه جوانب، تصمیم سازنده‌ای در این مورد گرفته شود.

۳- افزایش سهم بودجه پژوهشی کشور از تولید ناخالص داخلی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تعیین‌کننده ارتقای کیفی آموزش عالی است. در بیشتر کشورهای پیشرفته و صاحب فناوری، این سهم سه درصد یا بیشتر است. این عدد در کشورمان برای اولین‌بار درحال‌توسعه بالاتر است. برای رسیدن به اهداف بالادستی از جمله داشتن اقتصادی درونزا، افزایش سهم بودجه پژوهشی کشور به دو تا سه درصد تولید ناخالص داخلی اجتناب‌ناپذیر است.

۴- اعضای هیئت علمی و به‌ویژه استادان جوان، موتور محرکه دانشگاه‌ها در زمینه‌های آموزشی و پژوهشی هستند. با تمرکز بر مسائل رفاهی این گروه می‌توان به رشد روزافزون و پایدار علمی کشور امید داشت. تسهیل روندهای استخدامی استادان جوان و توجه به رفاه این گروه از اعضای هیئت علمی، موجب رفع دغدغه‌های مختلف آنان شده و در نتیجه دانشگاه‌ها با دراختیار داشتن نیروهایی باانگیزه، فرهیخته و جوان در مسیر رشد و توسعه کشور قرار خواهند گرفت. با افزایش امکانات رفاهی برای اعضای هیئت علمی و رفع دغدغه‌های معیشتی آنان، بسیاری از مشکلات موجود در حوزه‌های آموزشی و پژوهشی قابل‌اجتناب است.

۵- افزایش توجه به شرکت‌های دانش‌بنیان از سوی پارک‌های علم و فناوری (که از دستاوردهای مهم دولت یازدهم است)، باید ادامه یابد. ظرفیت‌ها و توانایی‌های موجود در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در قالب این‌گونه شرکت‌ها شکوفا می‌شود. در کنار توسعه تعداد شرکت‌های تأسیس‌شده، حمایت همه‌جانبه از تولیدات شرکت‌های موجود از سوی مسئولان امر (که اغلب در خارج از وزارت علوم هستند)، ضرورت دارد.

۶- روند «بین‌المللی‌شدن» برخی دانشگاه‌های درجه‌اول کشور که از حمایت‌های دولت یازدهم برخوردار بودند، باید به‌سرعت ادامه یابد. ارتباط پایدار با مراکز آموزش عالی خارج از کشور، تبادل استاد و دانشجو و تبادل فناوری، تأثیر انکارناپذیری در افزایش بالندگی مراکز آموزش عالی کشور خواهد داشت. به‌علاوه با پذیرش دانشجو در کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای همسایه، درآمد قابل‌توجهی به منظور افزایش و گسترش زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی کشور به دست خواهد آمد.

۷- برای رسیدن به مطالبات بالا، ضروری است انتخاب وزیری از دل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که مورد حمایت و اعتماد اکثریت دانشگاهیان باشد، در دستور کار رئیس‌مهور محترم دولت دوازدهم قرار گیرد. به‌علاوه، با برطرف‌شدن دغدغه‌های اشاره‌شده، خروج نخبگان دانشگاهی از کشور به حداقل می‌رسد.